

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره نهم و چهارم



پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟  
توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»



شهر زیبا

سر هنگ، چلیکول دار بوش و دیگران



حسام حیدری طنزنویس

این هفته هم با چند تا خبر بی ربط در خدمت تان هستیم: اوضاع فیلم مست عشق که زندگی و آشنایی شمس و مولانا را روایت می کند؛ بدجور عجیب شده و هر روز یک بازیگر درست و حسابی به پروژه اضافه می شود که چشم ها را خیره می کند. پس از شهاب حسینی و پارسا پیروزفر که هر کدامشان به تنهایی جیره جذابیت چند تا فیلم را تأمین می کنند؛ حالا ابراهیم چلیکول، بازیگر ترکیه ای هم به جمع بازیگران این فیلم اضافه شده است. این بازیگر برخلاف فامیلی اش که آدم را به اشتباه می اندازد؛ تو کشور خودشان کم کشته مرده ندارد و ترکیبی است از شجاعت و وقار جوانی های جمشید هاشم پور و بی تفاوتی فرامرز قریبیان. خلاصه که واقعا جای سرچ دارد. اگر تا اینجا کار هم خواندن خبر را ول نکردید که گوگل را باز کنید؛ واقعا از این جابه بعد باید این کار را بکنید. جدای از آن باید یک تحقیق درست و حسابی در مورد فردی که انتخاب بازیگرهای این فیلم را به عهده گرفته هم، به عمل بیاید. به نظر می رسد دارد انتقام ناکامی های جوانی اش را تو این فیلمی بگیرد.

خبر خوشحال کننده این که جناب سرهنگ علیفر که پیش از این اعلام کرده بوده پیشنهادهای شبکه های خارجی پاسخ مثبت خواهد داد؛ از تصمیم خود منصرف شده و اعلام کرده: «هیج ناخواهم رفت و افتخار می کنم که از طریق تلویزیون ایران با مردم خوب کشورم در ارتباط خواهم بود.» واقعا اشک امان نوتش نمی دهد. چه شب هایی که تا صبح دست به دعا برداشته بودیم که خداسرهنگ را بر ایمان نگه دارد. چه روزهایی که تا غروب، صفحه خبرگزاری ها را فرش نکردیم تا ببینیم سرهنگ علیفر بالاخره نظر قطعی اش را گرفت یا نه. در این جا به مناسبت این خبر فرخنده و شادی آفرین، این شعر را که با استفاده از اینتر کیبورد سروده ام، به استاد علیفر جان تقدیم می کنم:

سرهنگ روزهای تنهایی  
علیفر جان فوتبال ایران  
کجایی خواهی بروی؟  
خبر نداری که آرتور ویدال همه تنوهایش  
راه عشق تو با استون پاک کرده  
و ترررررش تگن به عشق این که یکبار  
دیگر ناشناس ارضا کنی، شب راضیح می کند  
بمان  
و هر روز جراحی بده گوش هایمان را  
با فریادهای

وووووو توی دروازه  
خبر دیگر این که آقای داریوش ارجمند که این روزها با نقش حشمت فردوس، حسابی روی بورس است؛ در مصاحبه ای توضیح داده که برای پیدا کردن اکت این نقش کلی پژوهش و تحقیق کرده است. باید عرض کنیم که واقعا خسته نباشند. انصافا هم این که دو تا انگشت را سیخ کنیم و دستمان را بر عکس بگیریم پایین و با صدای بلند بگوییم: «فتنا!؟» خیلی احتیاج به تحقیق و پژوهش دارد. تازه بعد از تحقیقات کافی و وقتی که ایده اصلی طراحی شد؛ کلی هم باید زحمت کشید تا این ایده عملی و اجرایی شود. شما فکرش را بکن که مثلا یکی از انگشت ها به جای این که به صورت عمود قرار بگیرد، سه چهار درجه به یک سمت متمایل شود. اصلا کل فیلم به هم خواهد ریخت. امیدوارم بقیه بازیگرها هم به تحقیقات و پژوهش در کارشان بپردازند.

در حاشیه بازداشت یک شاخ اینستاگرامی، موسوم به «تبر»!

## اعلام حمایت شاخ های مجازی: #ما همه تبر هستیم!

- ◀ مردم: آخ جون، سرگرمی این هفته مونم جور شد!
- ◀ صداوسیما: چند وقتی می شد که فردانادم و پشیمون بهتون نشون نداده بودیم!
- ◀ محمدرضا حیات: درست ترش این بود که جای ااره برگزیت می گفتم، تبر برگزیت!
- ◀ پرویز پرستویی: جمله قصار نداشته من بذارم تو پیجم؟
- ◀ یک مسئول: شاید با این دستگیری مشکلاتتون از بین نره ولی امیدواریم چند دقیقه ای از یادتون بره!
- ◀ جامعه جراحان زیبایی ایران: خداخبر تون بده، تو این فاصله ماهم یه نفسی می گیریم!

#دلخوشی\_های\_کوچک #شهر ونگ

یک نماینده: لایحه حذف صفر از پول ملی مشکلی ندارد چون در شکل کنونی خواندن اعداد برای مان سخت شده

## مفسد اقتصادی: آقا بین ما چی می کشیم دیگه!

- ◀ اختلاسگر: باید کلاس تقویتی بذارم!
  - ◀ یک کارگر: زیاد بش شمار و اذیت کرده، کم بودنش ما رو!
  - ◀ یک موسسه کنکور: برای نماینده ها بر نامه ویژه ای داریم!
  - ◀ صداوسیما: هر چی حذف کردنی داریم، بسیار ید به ما!
- #کلاس\_تقویتی #صفرهای\_اذیت\_کن #شهر ونگ

## تماشاخانه

ثنا حسین پور | کارتونست

مرگ ۶ فیل در تایلند که می خواستند یکدیگر را از سقوط در آبشار، نجات دهند



شهر ونگ

## فلکه اول

خارج اتاق هدایت می کند. کارشناس دوم: اصلا شما اون موقع شب بیرون چیکار می کردید؟ مگه نمی دونی زیست شبانه ممنوعه؟ آتلفن را برداشته و شروع می کند به شماره گرفتن. کارشناس سوم: تو هنوز نمی دونی وقتی به صدای اضافی تو ماشین میاد باید ضبط زیاد کنی؟ کارشناس چهارم: داری اشتباه میزنی جو. ما اصلا سیستم هشدار نداریم. به جاش آپشن های زه بغل و جالیوانی رو این اواخر اضافه کردیم. استفاده کن و حتما نظر تو بهمون بگو. آبا لبخند به جونه می کند. کارشناس پنجم: این ایرادهایی که شما می گیرین همش تهمت های برنامه ریزی شده ست، شما می خواین سیاه نمایی کنیم و اعتماد عمومی به ما رو خدشه دار کنیم؛ وگرنه ما اصلا ماشین بهتون تحویل ندادیم که صداس بخواد اذیتتون کنه از خنده ریسه می رود. کارشناس آخر با فریاد: کی اینوا داده تو؟

**رقابت تسلا با خودرو سازان داخلی | آرزو درزی |**  
ظاهر یک «جو» نامی پیام داده به شرکت تسلا گفته صدای سیستم هشدار ماشین باعث می شود بجهش از خواب بیدار شود. اینها هم آشنی به تنظیمات خودرو اضافه کرده اند که با فعال کردن صدای هشدار کم می شود. اسمش را هم گذاشته اند حالت جوا واقعا این برندهای غربی شسورا احترام به مشتری را در آورده اند. فرض کنیم این آقای جومراجعه می کرد به یکی از شرکتهای خودروساز داخلی و از این موضوع شکایت می کرد؛ احتمالا با یکی از پاسسهای زیر رویه می شد: کارشناس اول: ببین جوجان، فکر نمی کنی یکم داری این بچه رو لوس بار میاری؟ از الان انقد لی لی به لالاش می خاری دور روز دیگه تو روت وایمیسته، کولرم خاموش می کنه. آاز جو تشکر کرده و او را به

## تقاطع غیر هم سطح

**چهار: سعی کنید متخصص همه چیز باشید.**  
از خصوصیات یک فرزند خوب این است که بتواند همه چیز را تعمیر کند. اصلا یکی از دلایل رشد فرزند آوری در دهه های گذشته کمبود تعمیر کار کولر، موبایل، لوله کش، برق کش، بنا، گچ کار، کارگر کارواش و غیره در جامعه بوده. پدر و مادرهای ما به این امید بچه دار شدند که مادر آینده همه این کارها را برایشان انجام دهیم. حرف هم بزنی، می گویند: «چه های مردم توی زیر زمین خونه شون اورانیوم غنی می کنند، اون وقت بچه من سیم کشی به ساختمان رونمی تونه انجام بده.»  
**پنج:** به سوالات والدین جواب مستدل بدهید. اگر بیرون از خانه بودید و از شما پرسیدند کجا هستید و چه کار می کنید؟ احتمالا حالش را داشته اند که تا اتاق تان بروند و ببینند زیر پتو نیستید. باید به آنها بگویید که دقیقا کجاییید و چه می کنید. مثلا: «امان جون، الان توی خیابان انقلاب، بعد از میدان انقلاب، ابتدای خیابان جمالزاده جنوبی، توی مغازه آتش فروشی در صف ایستاده ام. هم اکنون دو نفر تا ابتدای صف فاصله دارم و در این فاصله یک سینی تماشا ای گل های قالی شود. زایوه گردنش هم باید به شکلی باشد که هر لحظه صحبت کننده هوس کرد یک پس گردنی به او بزند، شرایط برایش مهیا باشد.

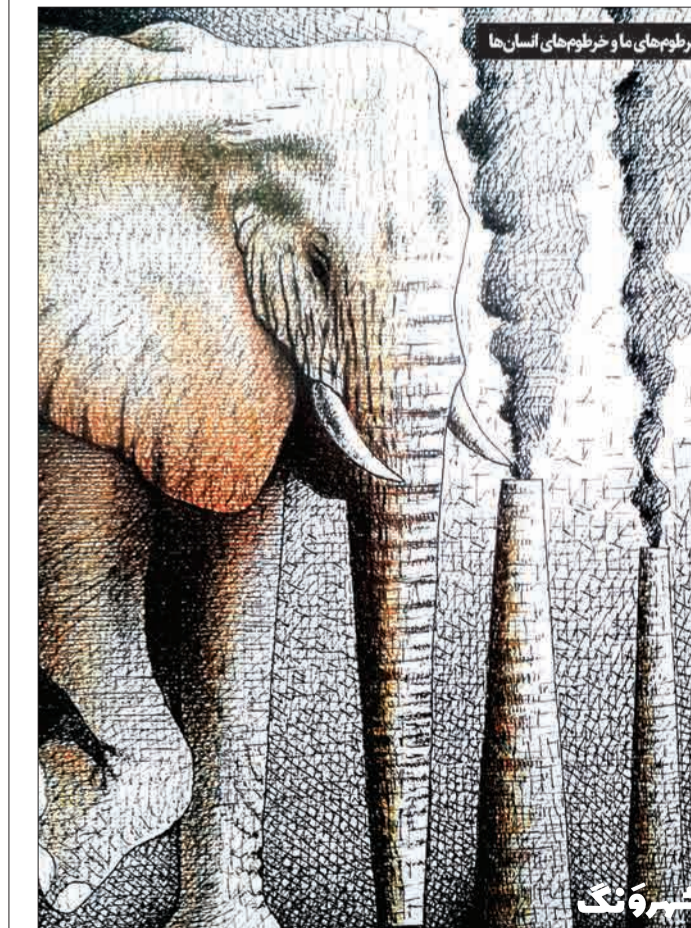
**چگونه والدین خود را شاد کنیم!**  
هم هستید. شما برای نیکی کردن به مادر تان، در این لحظه باید دو دستی بزنی توی سرتان و بگویید: «آخه من بی عرضه ام مامان. من بدبختم، بدبخشید که این جور شدم...» بعد هم دوتایی یک دل سیر گریه کنید.  
**سه:** بنشینید تا پدر شما را نصیحت کند. یکی از مهمترین علایق والدین ایرانی، مخصوصا پدرها این است که فرزندانشان را نصیحت کنند. اصلا گاهی بین تبلیغات تلویزیونی سریال ها که حوصله پدرتان سر رفته، بروید جلوی بنشینید و بگویید: «پدر، الان نیاز دارم، خواهش می کنم، دیگه نمی توئم تحمل کنم. به یکم نصیحت کن.» شنیدن نصیحت آداب خاص خودش را هم دارد که حتما باید رعایت شود. اول این که نصیحت شونده نباید خودش را ولو کند روی مبل سه نفره و پاهایش اندازه عرض شانهاش باز باشد. باید بنشیند لبه مبل و پاهایش را بچسباند به هم، دست هایش را هم بذار روی همان پاها. سرش را هم بندها پایین و مشغول راضی هستم.» اگر این را بگوید مادر دیگر ول تان نمی کند و آن قدر زیر و روی تان می کند تا بفهمد این چه راه ناجوری است که بدون حضور شوهر در آن ول می چرخید و تازه راضی

شهاب نبوی طنزنویس

## کوچه اول

**این همه بازیگر «خوب» چرا؟ | امیر مسعود فلاح |**  
اوضاع به سرعت دارد از کنترل خارج می شود. هر چی بازیگر «خوب» ایرانی و ترکیه ای است، دارد جذب فیلم شمس و مولان می شود. نه تنها اهالی ادبیات عرفانی، بلکه بسیاری از بانوان طرفدار بازیگران «خوب» فیلم از بین دولت ایران و ترکیه، از سناریوی فیلم بشدت ابراز نگرانی کرده اند. بیم آن می رود که حسن آقای فتحی در حال اشتباه زدن باشد و یگانه مرجع معتبر تاریخی اش اینستاگرام بوده باشد. وگرنه این همه بازیگر «خوب» می خواهد چه کار؟ از آن سو جای این نگرانی هست که خانم تهمنه میلانی هم وارد گود شود و بگوید در حق زنان دارد ظلم می شود و باید فیلم عارفه معروف اهل عراق، رابعه را با دو جین بازیگر زن ایرانی و عراقی بسازم. لابد منبع موق تاریخی ایشان هم سرچ گوگل خواهد بود و رابعه عدویه را با اسکویی اشتباه خواهد گرفت. متاسفانه آقای حسن فتحی متوجه تبعات کاری که دارد نمی کند نیست و گرنه این همه بازیگر «خوب» چرا؟

## شهر فرنگ



شهر ونگ